

## تأثیر روابط اتحادیه اروپا و اتحادیه آفریقا

بر حمایت از حقوق بشر پناهندگان آفریقایی خواستار پناهندگی در اروپا (۲۰۱۲ - ۲۰۰۷)

محمد مهدی میرزایی\*

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

ابوالفضل علی‌زاده

دانش آموخته کارشناسی ارشد از دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

### چکیده

اتحادیه اروپا<sup>۱</sup> در پی جنگ جهانی دوم با هدف ایجاد اتحاد و همبستگی بین کشورهای اروپایی تأسیس شد. اعضای این اتحادیه در خصوص اولویت‌های مشترک با یکدیگر مذاکره می‌کنند و سیاست‌های بین‌المللی و قوانین نشان دهنده کشورهای عضو را توسعه داده و تکمیل می‌کنند. مأموریت اتحادیه آفریقا<sup>۲</sup> نیز افزایش توسعه و تعامل در آفریقا است که می‌خواهد سازمان جهت‌دار بین‌المللی باشد. از مهم‌ترین اهدافی که اتحادیه آفریقا دارد این است که به‌خود به‌عنوان یک سازمان، قدرت بدهد تا نقش فعال‌تری در مذاکرات بین‌المللی داشته باشد. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به این سؤال مطرح پرداخته می‌شود که تا چه حد اتحادیه آفریقا می‌تواند از حقوق بشر پناهندگان آفریقایی که قصد دارند از مرزهای اروپا عبور کنند و از کشورهای این اتحادیه تقاضای پناهندگی نمایند حمایت کند؟ این در حالی است که حمایت از حقوق بشر پناهندگان آفریقایی خواستار پناهندگی در اروپا و دشواری مقابله با سیاست‌های مهاجرت اتحادیه اروپا، ناشی از تأثیر توافق‌نامه‌های امضا شده بر علیه پناهندگان آفریقایی می‌باشد. در مقابل، اتحادیه اروپا استقلال داخلی بیشتری با اختیار اعمال نفوذ (فشار) بر روی روابط بین‌الملل دارد. بنابراین در این پژوهش چنین استنتاج می‌شود که حمایت از حقوق بشر پناهندگان آفریقایی خواستار پناهندگی در اروپا و مقابله با سیاست‌های مهاجرت اتحادیه اروپا برای اتحادیه آفریقا دشوار است.

### کلید واژه‌ها

اتحادیه اروپا، اتحادیه آفریقا، حقوق بشر، پناهنده، کمیساریای عالی مهاجرین سازمان ملل.

\* Email: mehdi\_mirzaei1954@yahoo.com.

1- European Union

2- African Union

## مقدمه

آفریقا یا آفریقا سومین قاره پهناور جهان پس از آسیا و آمریکا است. با مساحتی حدود ۳۰/۲۲۱/۵۳۲ کیلومتر مربع ۲۰.۳٪ از مجموع خشکی‌های زمین را در بر می‌گیرد. عرض این قاره حدود ۸۰۰۰ کیلومتر از شمال به جنوب و طول آن در حدود ۷۴۰۰۰ کیلومتر از شرق به غرب می‌باشد. قاره آفریقا دارای ۶۱ کشور بوده و با بیش از یک میلیارد نفر جمعیت یک‌هفتم از جمعیت جهان را در خود جای داده است.

مسائل مهاجرت، پناهندگی، قومیت‌ها و چندگانگی فرهنگی، از مسائل مهم در بحث مرتبط با جامعه بین‌الملل خصوصاً تأثیر سیاست‌های اتحادیه اروپا بر فرصت‌های پناهندگان آفریقایی خواستار پناهندگی در سطح منطقه شینگن است. تأثیر واقعی اتحادیه اروپا بر روی گروه‌های آسیب‌پذیر پناهجوی آفریقایی خواستار پناهندگی در اروپا یکی از مهم‌ترین مسائلی است که جامعه بین‌المللی باید به تبعات آن بیشتر پی ببرد. موضوع فوق به این دلیل انتخاب شد تا با بررسی آن، نقش اتحادیه اروپا در خصوص پناهجویان و پایبند بودن به موفقیت‌نامه‌های سازمان ملل و سازمان‌های زیر مجموعه آن در خصوص مهاجرین را تجزیه و تحلیل نماید.

این مقاله جایگاه اتحادیه آفریقا در روابط بین‌الملل را آشکار نموده و نتیجه‌گیری می‌کند که اتحادیه آفریقا را می‌توان به‌عنوان سازمانی با استقلال داخلی محدود و ضعیف به‌دلایل سیاسی و امنیتی و اقتصادی در نظر گرفت که به‌طور مداوم در صحنه‌های بین‌المللی، تأثیر و قدرت کمی اعمال می‌کند. در مقابل، اتحادیه اروپا استقلال داخلی قوی‌تر با اختیار اعمال نفوذ بر روی روابط بین‌الملل را دارد. بنابراین با توجه به آن چه بیان گردید، در مقاله حاضر به بررسی تأثیر روابط اتحادیه اروپا و اتحادیه آفریقا بر حمایت از حقوق بشر پناهندگان آفریقایی خواستار پناهندگی در اروپا در بازه زمانی ۲۰۱۲ - ۲۰۰۷ پرداخته شده و در ادامه تأثیر امور سیاسی بین‌المللی بر روی سطح زندگی و حقوق افراد، بررسی می‌شود و به چالش‌های مرتبط با وضعیت جهانی پرداخته می‌شود.

## تعریف مفاهیم و اصطلاحات

**حقوق بشر:** حقوق بشر، اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوقی است که هر فرد به‌طور ذاتی، فطری و به‌صرف انسان بودن از آن بهره‌مند می‌شود. این تعریف ساده، عواقب و بازتاب اجتماعی و سیاسی مهمی را برای مردم و حکومت‌ها به‌دنبال دارد. مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی، این حقوق ویژگی‌هایی هم‌چون جهان‌شمول بودن، سلب ناشدنی، انتقال‌ناپذیری، تفکیک‌ناپذیری، عدم تبعیض و برابری‌طلبی، به‌هم پیوستگی و درهم تنیدگی را دارا است؛ از این‌رو به‌تمامی افراد در هر جایی از جهان تعلق دارد و هیچ‌کس را نمی‌توان به‌صرف منطقه جغرافیایی که در آن زیست می‌کند، از حقوق بشر محروم کرد؛ ضمن این‌که همه افراد فارغ از عواملی چون نژاد، ملیت، جنسیت و... در برخورداری از این حقوق با هم برابر و یکسانند (Faiola, ۲۰۱۲) و در این خصوص کسی را بر دیگری برتری نیست. این حقوق شامل حقوق طبیعی یا حقوق قانونی که در قوانین ملی و بین‌المللی موجودند، می‌شود. دکتترین و فعالین حقوق بشر، در فعالیت‌های بین‌المللی خود در زمینه حقوق بین‌الملل، نهادهای جهانی و منطقه‌ای، سیاست‌های دولتی و در فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی، اساس و شالوده سیاست‌های عمومی و اختصاصی در این زمینه را بنا نهاده است.

**پناهنده**<sup>۱</sup>: فردی که به علت ترس از آزار و اذیت به دلایلی که مرتبط با نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در گروه‌های اجتماعی مشخص یا داشتن عقاید سیاسی، بیرون از کشور محل سکونت خود است و قادر نیست و یا به علت ترس نمی‌خواهد خود را تحت حمایت آن کشور قرار دهد (Morehouse, 2011).

**مهاجر**: بر اساس تعریف سازمان ملل متحد، مهاجر کسی است که به کشوری به غیر از کشورهایی که تابعیت آن را دارا می‌باشد وارد شده و حداقل ۱۲ ماه در آن اقامت می‌گزیند (Niemann, 2012). هر چند که تعریف آماری سازمان ملل که به عنوان یک مبنا کم‌وبیش توسط مقاله‌گران امور مهاجرت مورد استفاده قرار می‌گیرد ولی تعریف مهاجر، مخصوصاً در چارچوب‌های حقوقی، ممکن است از کشوری نسبت به کشور دیگر تغییر کند. مهاجرت دارای دو وجه «جغرافیایی» و «انسانی» است (Dorata, 2010).

**حقوق بشر و حقوق پناهنده**: اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ بعد از جنگ جهانی دوم به تصویب رسید و بالاترین سند حقوقی است (Huysman, 2000, No: 38); که دستگاه‌های حقوقی سایر کشورها نباید هیچ‌یک از مواد آن را نقض کنند (Spijkerboer, 2007, 127 – 139). زیرا این اعلامیه بر این انگیزه تدوین شده است که انسان را از تحقیر و اهانت رها سازد و همچنین آزادی، عدالت و صلح جهانی را بر مبنای کرامت و حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق مساوی آن‌ها محقق سازد (جهانبخش، ۱۳۷۶، ش ۵: ۱۵۰) و زمینه هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را فراهم کند و بشر به این نتیجه رسیده است که شناسایی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر آن اساس آزادی و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد.

**امنیت**<sup>۲</sup>: مفهوم امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و در مورد افراد به معنی آن است که نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود بیم و هراسی نداشته باشند و به هیچ‌وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید ننماید (Castanpinos, 2008).

**مهاجرت**: شکلی از تحرک جغرافیایی یا مکانی جمعیت است که بین دو واحد جغرافیایی انجام می‌گیرد (دهشیری، ۱۳۸۰: ۴)، به معنی دیگر، مهاجرت به جابه‌جایی مردم از مکانی به مکانی دیگر برای کار یا زندگی است. مردم معمولاً به دلیل دور شدن از شرایط یا عوامل نامساعد دور کننده‌های مانند فقر، بیماری، مسائل سیاسی، کمبود غذا، بلایای طبیعی، جنگ، بیکاری و کمبود امنیت مهاجرت می‌کنند. دلیل دوم می‌تواند شرایط و عوامل مساعد جذب کننده مقصد مهاجرت مانند: امکانات بهداشتی بیشتر، آموزش بهتر، درآمد بیشتر، مسکن بهتر و آزادی‌های سیاسی بهتر باشد (پیر، ۲۰۱۰).

**کنوانسیون** (مقاوله نامه):<sup>۳</sup> کنوانسیون یا مقاوله‌نامه به معاهده‌ای گفته می‌شود که با هدف تدوین قواعد حقوقی و مهم مابین کشورهای متعددی تنظیم و منعقد می‌گردد (سجادپور، ۱۳۸۴: ۷۸).

### مبانی نظری

عموماً مکتب انگلیسی را «دولت محور» می‌دانند. اما در آثار متأخر می‌توان توجه آنها را به افراد انسانی به‌ویژه در روابط بین‌الملل به‌خصوص بحث در مورد حقوق بشر دید. مکتب انگلیسی به مجموعه آثار و نویسندگانی اشاره دارد که برداشت از روابط را فراتر از نظام بین‌الملل می‌دانند و قائل به اهمیت، اهداف، قواعد، نهادها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک آن

1- Refugee

2- Security

3- Convention: The Democratic and Republican Parties hold conventions to choose candidates for President.

هستند. ریشه مکتب در سنت خردگرایی است. مارتین وایت در روابط بین الملل ۳ سنت را تشخیص داد: ۱- واقع گرایی، ۲- انقلاب گرایی و ۳- خردگرایی. سنت سوم، ماهیت آنارشیک روابط بین الملل را قبول دارد و در عین حال بر اجتماعی بودن روابط تأکید دارد.

هدلی بول<sup>۱</sup> این سه گانه را می پذیرد و معتقد است که در سرتاسر تاریخ سه سنت تفکر رقیب وجود داشته است: سنت هابزی یا واقع گرا، سنت جان گرا یا کانتی و سنت بین الملل یا گروسیوسی. وی استدلال می کند که «هر یک از این الگوهای سنتی تفکر شامل توصیفی از ماهیت سیاست بین الملل و رهنمودهایی درباره رفتار بین المللی<sup>۲</sup> می شود». باید توجه داشت که مکتب انگلیسی این سه سنت را به عنوان سه تفسیر از روابط بین الملل در خود جای داده و همان طور که لینکلتر<sup>۳</sup> نیز ادعان می کند که هر یک از نظریه پردازان مکتب انگلیسی تا حدودی به سمت یکی از این تفاسیر سه گانه گرایش داشتند. از نظر هدلی بول نکته اصلی جامعه هرج و مرج زده، افزایش و حفظ نظم بین المللی است که اهداف جامعه دولت ها را تقویت می کند (Paul and Emily Gray, 2005).

هدلی بول سه نوع نظم را در جهان سیاست بر می شمرد (Declaration Tripoli, 2006): ۱- نظم در زندگی اجتماعی، ۲- نظم بین المللی و ۳- نظم جهانی، که نظم جهانی مهم تر از بقیه است که مسؤولیت حفظ نظم بین دولت ها هم به عهده قدرت های بزرگ است. هدلی بول معتقد به نظم و عدالت در جامعه بین الملل است. از نظر او نظم عادلانه پایدار نیست و لازمه حفظ نظم وجود و اجرای عدالت است و برای رسیدن به عدالت باید تلاش کرد. بول تأکید دارد که نباید معرفت شناسی و روش شناسی محدود کننده هستی شناسی ما باشد. واقعیت روابط بین الملل این است که بعد غیر مادی قوی دارد. در نهایت نگاه مکتب انگلیسی بیشتر تاریخی و تفسیری است، همراه با تأکید بر ابعاد فرهنگی، گفتمانی و نقش قواعد در تکوین بسیار مهم است. هدلی بول سه سطح عدالت را در جهان سیاست را مشخص می کند: ۱- عدالت بین ملت ها، ۲- عدالت فردی یا بشری که شامل حقوق بشر است و ۳- عدالت جهانی، هم چنین از نظر او نظم مقدم بر عدالت است (The European Union Convention, 1985, 14 June).

جان وینسنت از دیگر نظریه پردازان مکتب انگلیسی است. او توجه خاصی به نظم اخلاقی دارد و حقوق و عدالت را در زمره اخلاقیات می داند. او معتقد به جامعه دولت هاست که نظم را در سطح بین الملل بوجود می آورد (Spikerboer, 2007: 127 – 139). پیروان مکتب انگلیسی با طرح مفهوم جامعه بین الملل بسیاری از خصوصیتی را که به اجتماع جهانی نسبت داده می شود در پیوند با اجتماعات بر اساس حاکمیت قانون در قالب جامعه بین الملل ارائه می دهند (طالشی، ۱۳۸۰: ۴).

چنین جامعه ای مبتنی است بر شناسایی وظیفه عام رفع آلام با کمک متقابل و در نتیجه، باز توزیع ثروت و درآمد، نظم در جامعه بین الملل بر اساس منافع مشترک اعضا در اهداف اولیه، قواعدی که الگوی رفتار لازم برای تداوم آنها تجویز می کنند و نهادهایی که موجب کارایی این قواعد می شوند، حفظ می گردد (عجم، ۱۳۸۹: ۲۲). احساس وجود منافع مشترک ناشی از ترس، محاسبه عقلانی یا وجود ارزش های مشترک باشد. اما این منافع باید همراه با قواعدی باشند که رفتار مناسب و نامناسب تا نیل به اهداف را مشخص سازند (راپاپورت، ۲۰۰۹).

در مقابل، انتقاد جکسون از وایت از همین تقسیم بندی سه گانه آغاز می شود. وی کار وایت را تا حد یک «رده بندی<sup>۴</sup> بدون

1- Hedly Bull  
2- International Conduct  
3- Linklater  
4- Taxonomy

قدرت تبیینی» پایین آورده است و آنرا «مرتب کردن و بازسازی اسنادی» می‌داند که «از تصمیمات و اعمال کارگزاران تاریخی به‌جای مانده‌اند». وی در ادامه دو نقطه ضعف جدی تفکر وایت را این‌گونه بیان می‌کند: <sup>۱</sup> «اول، اکراه آشکار از توجه به این مسئله که آیا گونه‌شناسی وی از تفکر بین‌المللی به اندازه کافی، کامل و جامع است. دوم اینکه، وی تمایل دارد تا تلاشش را برای پاسخ به مسائلی که از رویکردش ناشی می‌شود، پیش از موقع قطع کند». اما جالب این‌جاست که جکسون نیز سبک و گونه‌شناسی وایت را ادامه داده و در تطبیق مفهوم مسؤولیت با سه‌گانه وی، از مسؤولیت ملی، بین‌المللی و جهانی یاد می‌کند و بعد چهارمی را پیشنهاد کرده و آنرا مسؤولیت برای مشترکات جهانی <sup>۲</sup> می‌نامد. حتی در همین چارچوب از سه نوع امنیت ملی، بین‌المللی و انسانی یاد می‌کند.

سنت نظام بین‌الملل - که مارتین وایت پیروان آنرا واقع‌گرایان خطاب می‌کند - به‌عنوان یکی از سنت‌های سه‌گانه مکتب انگلیسی در رویکرد واقع‌گرایان به‌خوبی بررسی شده است. این سنت به تفکرات ماکیاولی و هابز باز می‌گردد و بعضاً با رویکرد هابزی شناخته می‌شود. واقع‌گرایی جایگاه اندکی را در مکتب انگلیسی به‌خود اختصاص داده است، هر چند، برخی بنیان‌گذاران این مکتب، هم‌چون وایت و هدلی بول، را واقع‌گرایان انگلیسی می‌دانند اما تلاش هر دو این است که خود را خردگرا جلوه دهند. رابرت جکسون معتقد است «نظریه‌پردازان جامعه بین‌المللی (وایت و بول). واقع‌گرایند اما خردگرا نیز هستند».

در مقابل این سنت، رکن جامعه جهانی قرار دارد که ریشه در افکار کانت داشته و وایت پیروان آنرا «انقلاب‌گرایان» <sup>۳</sup> می‌نامد. جکسون واژه «جهان‌وطنی» <sup>۴</sup> را برای تعریف این سنت ترجیح می‌دهد. این رکن مورد توجه مکتب انگلیسی می‌باشد. اما ریچارد لیتل <sup>۵</sup> آنرا «مسئله‌سازترین خصوصیت مکتب انگلیسی» می‌داند. باری بوزان آنرا به یک «زباله‌دان فکری» در مکتب انگلیسی تشبیه می‌کند و معتقد است جایگاه جامعه جهانی در مکتب انگلیسی همانند «سیندرلا» است. با وجود این، وایت و هدلی بول به این رکن گرایش داشتند (کاررا، ۲۰۱۲).

در بین این دو، رکن جامعه بین‌الملل قرار می‌گیرد که رکن رکن مکتب انگلیسی و مورد توجه عمده نظریه‌پردازان آن است. این سنت که ریشه در افکار گروسوس و اوپنهایم دارد ساختار اجتماعی روابط بین‌الملل را مورد توجه قرار می‌دهد. نظر به اهمیت این رکن در مکتب انگلیسی، بعضاً این نظریه تحت عنوان نظریه جامعه بین‌المللی روابط بین‌الملل مشهور است. ارزش‌ها، اهداف، قواعد و نهادهای مشترک در این سنت از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند (کریمی، ۱۳۷۸: ۸۶).

این سه سنت به‌طور کلی تشکیل دهنده مکتب انگلیسی هستند، به‌نحوی که بول می‌گوید: «در قلب نظریه مارتین وایت، مناظره میان سه گروه از متفکران بود: ماکیاولی‌ها، گروسوسی‌ها و کانتی‌ها». این مکتب به دهه ۱۹۵۰ و زمانی باز می‌گردد که مناظره میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در اوج خود بود و آرمان‌گرایی پس از یک دوران تفوق بین دو جنگ جهانی، با شروع جنگ دوم جهانی و شکست جامعه ملل افول کرده و واقع‌گرایی موضع مسلط بود. در این شرایط مارتین وایت استاد تاریخ مدرسه اقتصاد و علوم سیاسی لندن با مستندات تاریخی و تکیه بر افکار حقوقدانان بین‌المللی، همانند پوفندروف، گروسوس و... در پی ایجاد راه میانه بین دو رویکرد فوق برآمد و پس از وی توسط شاگردش هدلی بول این

۱ - کارت آبی (کارت شهروندی اتحادیه اروپا).

2- Global Commons  
3 . Revolutionists  
4 . Cosmopolitanism  
5 . Littel  
6- Via Media

امر ادامه یافت. سپس همکار بول، تری ناردین<sup>۱</sup> در این مکتب به تحقیق پرداخت و به مرور افرادی چون وینسنت، واتسون، رابرت جکسون و ... مطالعات بین‌المللی خود را در این مکتب ادامه دادند.

### حوزه‌های موضوعی در نظریه انگلیسی

طرفداران مکتب انگلیسی برخلاف واقع‌گرایان که به نقش هنجارها، قواعد و نهادهای بین‌المللی اهمیتی نمی‌دهند و به آن بدبین‌اند، آنها بر نقش هنجارها و حقوق و نهادها در نظام بین‌الملل تأکید دارند و حتی معتقدند که نهادها و حقوق بین‌الملل در کاهش تعارضات و افزایش همکاری اهمیت زیادی دارند. تأکید بول بر ۵ نوع از این نهادها است که جملگی در وهله نخست در جامعه دولت‌های اروپایی شکل گرفتند و با عالم‌گیر شدن این جوامع است که جنبه جهانی یافته‌اند. به‌طور کلی، اعضای مکتب پنج حوزه موضوعی را در نظریه و عمل روابط بین‌الملل مورد توجه قرار می‌دهند:

- (الف). آنها علاقمند به تحلیل تطبیقی از نظام‌های بین‌المللی در طول زمان و مکان هستند.
- (ب). آنها مایل به تحلیل روابط بین‌الملل در چارچوب آن چیزی هستند که هدی بول «جامعه دولت‌ها» می‌نامید.
- (ج). اعضای مکتب، درگیر منازعه بر سر میزان تغییر در جامعه دول هستند (<http://eui.eu>).
- (د). سایه سه‌گانه مشهور وایت از تفکر بین‌المللی بر اذهان تمامی اعضای مکتب انگلیسی سنگینی می‌کند.
- (ذ). در نهایت، تنش میان مقتضیات نظم بین‌المللی و عدالت جهان‌وطن همواره مورد توجه نویسندگانی همانند وینسنت است.

### مراحل رو به رشد مکتب انگلیسی

مکتب انگلیسی روابط بین‌الملل طی چهار مرحله روند رو به رشد و پیشرفتی به‌خود گرفت که عبارتند از:

- ۱ - مرحله اول (تأسیس): جامعه بین‌المللی به‌عنوان وسیله‌ای برای نظریه‌سازی در روابط بین‌الملل است که تحت نظریه‌های باترفیلد، مارتین وایت و مانینگ قرار می‌گیرد (کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان، ۲۰۰۶: ۳۵).
- ۲ - مرحله دوم (تحکیم): ماهیت جامعه بین‌المللی غربی، جامعه بین‌الملل از یک منظر تاریخی است که تحت نظریه‌های هدی بول، مارتین وایت و جان وینسنت قرار می‌گیرد (کی، ۲۰۱۰).
- ۳ - مرحله سوم (احیاء): مطالعات تطبیقی تاریخی بر اساس جامعه بین‌المللی، بسط جامعه بین‌المللی و بازنگری در هویت خود مکتب است که تحت نظریه‌های هدی بول، واتسون، جان وینسنت، میلر، کینگز باری، رابرتز، هوگو گروسویوس، دانلان، مایال و سی ناواری قرار می‌گیرد.
- ۴ - مرحله چهارم (گسترش): رهیافت مکتب انگلیسی به‌عنوان منتقد و بدیل نظریه‌های روابط بین‌الملل رئالیسم، نظریه رژیم‌ها، کانستراکتیویسم، سازه‌انگاری و جهان‌گرایی است که تحت نظریه‌های رابرتسون، باری بوزان، دان، نادسن، ویور و ان ویلر قرار می‌گیرد.

مکتب انگلیسی در روابط بین‌الملل ماهیت میانه دارد و در ۳ محور موضع خود را مشخص می‌کند:

- ۱ - آنارشسیسم بین‌المللی و رابطه آن با نظم؛
- ۲ - ماهیت نهادهای بین‌المللی و تأثیر آن بر همکاری؛
- ۳ - امکانات در مورد تغییر در نظام بین‌المللی؛

## انواع نظریه‌ها در مکتب انگلیسی

### ۱ - بدبینی: هابز، ماکیاولی

هابز: فلسفه بدبینانه ماکیاولی و هابز، انسان را موجودی شرور، خودخواه و منفعت‌طلب تعریف می‌کند که شرارت، پرخاش‌گری، خودپرستی و خشونت را در ذات خود دارد. در رویکرد هابزی، روابط بین‌الملل حاکی از منازعه ناب بین دولت‌هاست و شبیه به یک بازی است که کاملاً توزیعی<sup>۲</sup> بوده و با حاصل جمع صفر است. منافع هر دولتی نافی منافع دولت دیگر است؛ فعالیت بین‌المللی خاصی که در رویکرد هابزی معمول‌ترین فعالیت بین‌المللی به‌طور کلی است (استفان، ۱۹۹۸: ۳۲ - ۲۹ و ۴۶ - ۳۴). یا به بهترین وجه به آن فعالیت می‌انجامد، خود جنگ است. بدین ترتیب در رویکرد هابزی دوره استراحت بعد از جنگ قبلی و آمادگی برای جنگ بعدی است.

هابز اعتقاد دارد که دولت آزاد است تا اهدافش را در رابطه با دیگر دولت‌ها بدون توجه به محدودیت‌های قانونی یا اخلاقی از هر نوع، دنبال کند. ایده‌های اخلاق و قانون در این سنت تنها در بافت جامعه معتبر است؛ اما حیات بین‌المللی و رای محدودیت‌های هر نوع جامعه است. از نظر پیروان این سنت، تنها قواعد و اصولی که ممکن است رفتار دولت‌ها را در روابطشان با یکدیگر تحدید و محدود کند قواعد احتیاط ۱ یا مصلحت ۲ است. به این ترتیب بعضی توافق‌ها اگر حفظ آن‌ها به صلاح باشد ممکن است حفظ شوند و اگر به صلاح نباشد ممکن است نقض گردند (مختاری، ۱۳۸۸).

ماکیاولی بر این عقیده است که دولت، سیاست خارجی را در نوعی خلأ قانونی و اخلاقی اجرا می‌کند و بر این عقیده است که رفتار اخلاقی برای دولت در سیاست خارجی در ابراز وجود<sup>۳</sup> خودش است. رهنمود مورد نظر ماکیاولیست‌ها دقیقاً همان چیزی است که ماکیاولی در شهریار بیان می‌کند: وظیفه هر دولت یا حاکم این است که منافع خودش را دنبال کند و در سیاست بین‌الملل به مسئله اخلاقیات، حداقل در مفهوم محدود کننده آن، توجه نکند.

### ۲ - خوش‌بینی: کانتی

سنت جامعه جهانی یا سنت کانتی و انقلابی‌گری به آن جوانبی از سیاست بین‌الملل تأکید دارد که بیشتر رنگ اخلاقی دارد تا قانونی یا واقعی و اهدافش بیشتر جهانی است تا حقوقی و عینی. پیروان این رویکرد را می‌توان افرادی مذهبی، آزادساز و برانداز تعریف کرد. از نظر وایت، انقلاب‌گرایان را به‌طور دقیق می‌توان به‌عنوان کسانی تعریف کرد که اعتقاد بسیار شدیدی به اتحاد اخلاقی در این سنت، افراد، سازمان‌ها، جامعه دول یا جامعه بین‌المللی دارند (غیر حکومتی و در نهایت کل موجودات عالم را به‌عنوان یک کانون هویت و نظام اجتماعی جهانی در مرکز روابط بین‌الملل قرار می‌دهد).

### ۳ - سنت میانه‌اند: خردگرا، گروسپیوسی

خردگرایی در عین پذیرش ماهیت آنارشیک روابط بین‌الملل (مانند واقع‌گرایان). بر اجتماعی بودن روابط و وجود اهداف و هنجارهای مشترک و همکاری میان دولت‌ها تأکید دارد (مانند آرمان‌گرایان) و دگرگونی در روابط بین‌الملل را ممکن اما دشوار می‌داند (یعنی نه بدبینی واقع‌گرایان و نه خوش‌بینی آرمان‌گرایان).

خردگرایان آنارشی را فقدان مافوق سیاسی می‌دانند، از نظر آن‌ها اگر جامعه داخلی جامعه است، نظام بین‌الملل نیز جامعه است زیرا اهداف اولیه خاص خود را که عبارتند از حفظ خود جامعه مرکب از دولت‌ها، حفظ حاکمیت اعضا و حفظ صلح دنبال می‌کند (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۵۸۶). وایت در این رابطه معتقد است: اگر آنارشی به‌عنوان فقدان حکومت مشترک

فهمیده می‌شود پس در واقع این دقیقاً خاصیتی «است که در آن سیاست بین‌الملل متفاوت از سیاست داخلی است. در کنار منازعه، همکاری در امور بین‌الملل، نظام دیپلماتیک، حقوق بین‌الملل و نهادهای بین‌المللی وجود دارد که عملکرد سیاست قدرت را پیچیده می‌کند و حتی قواعدی برای تحدید جنگ‌ها وجود دارد که کاملاً بی‌تأثیر نیستند. به‌ندرت می‌توان انکار کرد نظام دول وجود دارد و یا پذیرش اینکه نظام دول وجود دارد نیمی از راه پذیرش جامعه طی شده است زیرا جامعه تعدادی از افراد است که در پی اهداف مشترک خاصی به نظامی از روابط می‌پیوندند (مسی، ۱۹۹۳: ۱۹: ۳).

در برداشت هوگو گروسویوس، این قانون است که باید جنگ ناعادلانه را از جنگ عادلانه بر اساس آرمان‌های جنگ متمایز سازد. از این منظر جنگ عادلانه می‌تواند به شکل مداخله در جنگ‌های داخلی یا به‌منظور تأمین اهداف بشردوستانه باشد. پس از نگاه، افراد انسانی‌اند که موضوع اصلی حقوق بین‌الملل را تشکیل می‌دهند و نه فقط دولت‌ها. در نتیجه جامعه بین‌الملل می‌تواند برای نجات افراد علیه دولت‌های خاطی عمل کند.

رهنمود گروسویوسی‌ها این بود که دولت‌ها با قواعد این جامعه بین‌المللی که خودشان به‌وجود آورده و در تداوم آن نقش داشته‌اند محدود می‌شوند. پیروان این مکتب بر نقش نهادها، قواعد، هنجارها در سیاست بین‌الملل تأکید دارند و این عوامل را علت صلح و ثبات، کاهش تعارضات و افزایش همکاری‌ها می‌دانند. آنان اعتقاد دارند که دولت‌ها به‌رغم توانایی شکستن قواعد و هنجارها، اغلب موارد آن را نمی‌شکنند و خود را ملزم به احترام به آن می‌دانند که این امر ناشی از منافی است که از این طریق به‌دست می‌آورند. یعنی منافی که امکان انتخاب برای کنشگران در مورد آن‌ها وجود ندارد، زیرا پیگیری هرگونه منافی منوط به‌دنبال کردن این منافع اولیه است، یعنی منافی که به‌صورت عضویت در جامعه جهانی باید، به‌دنبال آن‌ها باشند.

### تحلیل داده‌ها

در این نوشتار برای نشان دادن درک بهتری از جایگاه اتحادیه آفریقا در امور سیاسی جهان تلاش گردیده است. به خصوص، جایگاه اتحادیه آفریقا با تمرکز روی نقش اتحادیه آفریقا در خصوص وضعیت پناهندگان آفریقایی و امکان تقاضای پناهندگی آن‌ها در اروپا بررسی شده است. هدف بررسی‌های ارائه شده در این پایان‌نامه ارائه توضیحاتی در مورد میزان حمایتی است که از سوی اتحادیه اروپا می‌تواند در مورد حقوق بشر پناهندگان آفریقایی که از مرزها خواستار تقاضای پناهندگی در اروپا عبور می‌کنند، اعمال گردد. در مقاله حاضر نشان داده شده است که چگونه روابط بین‌المللی بین اتحادیه اروپا و اتحادیه آفریقا روی حمایت از حقوق بشر پناهندگان آفریقایی خواستار تقاضای پناهندگی در اروپا تأثیر گذاشته است. با این وجود، منطقی است که فرض کنیم که بازیگران بین‌المللی دیگری نیز بر روی این گروه از مهاجران تأثیر گذاشته‌اند. کمی ساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و سازمان‌های حقوق بشر مشهودترین آن‌ها در این خصوص هستند. (<http://www.migrationpolicy.org>).

همان‌گونه که مشاهده گردید، حمایت حقوق بشر پناه جویان آفریقایی مغایر با سیاست‌های مهاجرت اتحادیه اروپا در حال حاضر می‌باشد. این رساله درباره اشتراک بین اتحادیه اروپا و اتحادیه آفریقا در خصوص چگونگی سیاست‌گذاری‌ها و آن‌چه در رابطه با مسائل مرتبط با پناهندگان و تقاضای پناهندگی آن‌ها حفظ می‌شوند، بحث می‌کند. با بررسی اسنادی که اتحادیه اروپا و اتحادیه آفریقا در خصوص مسائل پناهندگی تهیه کرده‌اند، می‌توان رویکرد متفاوتی بین دو سازمان یاد شده در رابطه با مدیریت مهاجرت را اثبات نمود. سیاست‌های مهاجرت اتحادیه اروپا دسته‌ای از قوانین را بر اساس بروکراسی منعکس می‌کند که پناهندگان را به مهاجران غیرقانونی تبدیل می‌کند و باید مطابق با طبقه‌بندی نظارت‌های سخت‌گیرانه مرزها و بکارگیری چندین ابتکار مدیریت شوند تا از رسیدن پناهجویان به منطقه شینگن جلوگیری کنند.



به نظر می‌رسد که روی حقوق بشر متقاضیان پناهندگی در پی شکنجه تأکید کمی شده و اتحادیه آفریقا آسیب‌پذیری این گروه از مهاجران را بیشتر تأیید نموده و تأکید بیشتری بر اهمیت ارزیابی‌های فردی این گروه از مهاجران دارد. ([www.migrationpolicy.org](http://www.migrationpolicy.org), 2001). یکی از دلایل حمایت از سیاست‌های مهاجرت اتحادیه اروپا، علی‌رغم مغایرت با قوانین بین‌المللی حقوق بشر، جایگاه برتر اتحادیه اروپا در مقایسه با اتحادیه آفریقا است. برخورداری اتحادیه اروپا از جایگاه قدرت‌مندتر در پروسه‌های وابسته به اتحادیه آفریقا در زمان امضای توافق‌نامه‌ها در خصوص مسائل مرتبط با پناهندگان آفریقایی خواستار تقاضای پناهندگی، به نفع اروپا بوده و بنابراین می‌توان به اتحادیه آفریقا به‌عنوان سازمانی با استقلال داخلی محدود نگریست که مقدار کمی نفوذ و قدرت در روابط بین‌الملل اعمال می‌کند. در مقابل، اتحادیه اروپا استقلال بیشتر با قدرت اعمال نفوذ بیشتری در روابط بین‌المللی دارد. بنابراین، این مقاله نتیجه می‌گیرد که حمایت از حقوق بشر پناهندگان آفریقایی که هدف آن‌ها تقاضای پناهندگی در اروپا است و نیز مقابله با سیاست‌های مهاجرت اتحادیه اروپا برای اتحادیه آفریقا دشوار است (نیمن، ۲۰۱۲).

مهاجرت به‌عنوان پدیده‌ای عمیق و ریشه‌دار در تاریخ بشری در دوران معاصر ماهیتاً متحول شده است. از نظر کمی و آماری مهاجران رقم بی‌نظیری را تشکیل می‌دهند. از نظر کیفی مهاجرت در عصر جهانی شدن، فرصت‌ها و چالش‌های فراوانی را به همراه آورده و مدیریت مهاجرت را تبدیل به حوزه جدیدی از مناسبات اجتماعی کرده است. برای مدیریت مهاجرت، باید اصل پدیده مهاجرت را درک کرد. نظریه‌های کلان مهاجرت به‌خاطر تمرکز برانگیزه مهاجرت نمی‌توانند پیامدها و روندهای ناشی از مهاجرت را توضیح داده و تبیین کنند و لذا جای نظریه‌های کلان بایستی از نظریات میان برد استفاده کرد. مباحث مربوط به مدیریت مهاجرت در زمره این دسته از نظرات بوده و در قالب گرایش‌های اخیر مقاله‌های آکادمیک مهاجرت که توجه به جنبه‌ای میان رشته‌ای، حل مسئله‌گرا و پیوند زنده بین نظریه و واقعیت دارند، سودمندی مفهومی و عملیاتی بیشتری دارند. بنیاد رشته مدیریت مهاجرت بر نگاه مثبت به مهاجرت، عدم امکان متوقف ساختن آن و ضرورت افزایش نکات مثبت و کاهش نکات منفی این پدیده جهانی از طریق دسته‌بندی از مسائل مدیریتی در مهاجرت، افزایش ظرفیت تحلیلی در فهم آن‌ها و ایجاد مکانیزم‌های سیاست‌گذاری و ابزارهای لازم اجرایی برای روند بهتر و مهاجرت بنا شده است.

مشکلات آفریقا دارای دو وجه داخلی و خارجی است. استعمار بدون شک تأثیر بسیاری بر پیچیده کردن شرایط مردم قاره داشته است، گرچه نباید نقش عاملان داخلی استعمار را نیز نادیده گرفت ([www.muepmah.se](http://www.muepmah.se)). در مقاله‌ای در خصوص نقش غرب در ایجاد بحران در آفریقا آمده است: آفریقا در تمامی ابعاد آن دارای بحران می‌باشد. چه بسیار دولت‌های خارجی، نمایندگی‌ها، مؤسسات در زمینه مبارزه با فقر در آن‌جا تلاش می‌کنند، چه بسیار کمک خارجی، ([www.qub.ac.uk/research-centres](http://www.qub.ac.uk/research-centres)). وام و اعتبار برای توسعه به آن خطه اختصاص داده شده است. از دهه شصت بیش از چهارصد میلیارد دلار به‌صورت وام و اعتبار به استثنای کمک‌های مربوط به مأموریت‌های صلح‌جویانه در اختیار آفریقا قرار گرفته است (Walt, 1998, 110). مع‌هذا، همه این تلاش‌ها بی‌نتیجه بوده است ([www.perso.uclouvain.be](http://www.perso.uclouvain.be)). قاره آفریقا از نظر اقتصادی هنوز نیز در حال سقوط است. در واقع برای انهدام اقتصاد آفریقا دیکتاتوری‌های آفریقایی به حمایت مستقیم و غیرمستقیم غرب وابسته بودند (بحران آفریقا: ۲۶۷). این که سازمان ملل فرار مغزها را از آفریقا بزرگ‌ترین عامل عقب‌افتادگی محسوب می‌کند بی‌دلیل نیست. بر اساس آمار، شمار مهندسی‌ن و دانشمندان آفریقایی که در آمریکا کار می‌کنند بیش از متخصصانی است که در آفریقا مشغول به کار می‌باشند. پدیده فرار مغزها از مهم‌ترین مشکلات کشورهای آفریقایی محسوب شده و ادامه بی‌توجهی به آن پدیده بر مشکلات آن

خطه خواهد افزود، رفع این معضل نیز نیازمند خواست عمومی و به ویژه دولت‌مردان می‌باشد.

خوشبختانه افزایش آگاهی عمومی در آفریقا و پذیرش راه‌کار مسؤلیت‌پذیری از سوی دولت‌مردان نویدآور نوری تازه بر جبین کشتی رستگاری آفریقا خواهد بود. توسعه و گسترش فرهنگ تفکر، تعقل، علم‌آموزی، ابتکار و نوآوری در جامعه نیازمند حمایت جدی دولت‌مردان و مسؤولین عالی‌رتبه می‌باشد. آن‌ها با توجه به امکانات و توانایی‌هایی که در اختیار دارند، می‌توانند این فرصت را برای نخبگان و اندیشمندان فراهم کرده که در جهت توسعه و رفاه جامعه گام برداشته و از نیروی فکر و قدرت خدادادی برای رفع نابسامانی‌های جامعه مدد گیرند.

متأسفانه در کشورهای آفریقایی توجه دولت‌مردان به ذخایر و منابع مادی بیش از توجه آن‌ها به انسان‌ها بوده و برای این برنامه‌ای ندارند. در حالی که نقش و تأثیر نخبگان و اندیشمندان دلسوز بیش از منافع معادن طلا و الماس است و هرآینه اگر احترام لازم را به کرامت انسانی و جایگاه نخبگان متعهد و دلسوز مبذول دارند، به شکل بهتری بتوانند از ذخایر و معادن و دیگر امکانات بهره‌مند شوند.

با توجه به روند روزافزون مهاجرت از آفریقا به سوی اروپا به علت شرایط بهتر زندگی، اتحادیه اروپا اقدام به توسعه سیاست‌هایی در ارتباط با مهاجرت کرده است. در این بین حقوق بشر و حمایت از پناهندگان مسئله‌ای است که باید به آن پرداخته شود. با وجود توافق‌نامه‌ها و بیانیه‌های بین‌المللی در رابطه با مهاجرت نظیر کنوانسیون حقوق بشر ۱۹۵۱ سازمان ملل، اتحادیه اروپا قوانین معین خود را در رابطه با مهاجرت اتخاذ کرده است. از این رو، نگرانی اتحادیه آفریقا درباره مخاطره حقوق بشر پناهندگان و استرداد آن‌ها افزایش یافته است. با وجود تازه تأسیس بودن اتحادیه اروپا، کنوانسیون‌ها و بیانیه‌هایی در این ارتباط تصویب شده‌اند. در این بین نمی‌توان منکر فعالیت‌های سازمان ملل، کمی ساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان شد ([www.realinstitutoelcano.org](http://www.realinstitutoelcano.org)).

یکی از اساسی‌ترین حقوق پناهندگان در بیانیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۴ بیان شده است. هرکسی حق دارد تا در کشورهای دیگر در نتیجه آزار و اذیت، تقاضای پناهندگی کند و از مزایای آن بهره‌مند گردد. سازمان ملل در دهم دسامبر ۱۹۴۸ بیانیه‌ای را تصویب کرد و این بیانیه با تکیه بر آزادی، برابری و حقوق افراد و گروه‌ها تصویب شده است (افغان‌های مقیم یونان، ۲۰۱۳). علی‌رغم این‌که تمام کشورهای عضو اتحادیه اروپا این بیانیه را به رسمیت شناخته‌اند و آن را امضا کرده‌اند، اما سیاست مهاجرت اتحادیه اروپا که تنظیم کننده جریان مهاجرت به اروپاست، به پناهندگان با هدف تقاضای پناهندگی هیچ امکان قانونی برای ورود به اروپا را نمی‌دهد. به نظر می‌رسد که یک کاستی در سیاست‌های تنظیم کننده جریان مهاجرت اروپا، در اتحادیه اروپا منعکس شده و قانون اتحادیه اروپا از هرگونه اختیاری برای پناهندگان خواستار پناهندگی و ورود به اروپا در منطقه شینگن رد می‌کند. به این تعبیر رویه اتحادیه اروپا می‌تواند در تضاد با بیانیه جهانی حقوق بشر بیان کننده امکان تقاضای پناهندگی برای مصونیت یکی از حقوق بشر فرض شود. در این مقاله، این سؤال مطرح می‌شود که آیا اتحادیه آفریقا می‌تواند حقوق بشر پناهندگان آفریقایی که قصد دارند از مرزهای اروپا عبور کنند و تقاضای پناهندگی نمایند - که چنین اجباری در حال حاضر مطابق سیاست مهاجرت اروپا نیست - حمایت کند؟ براساس نظریه روابط بین‌الملل استفاده شده در مقاله، جنبه‌های واقع‌گرا و ساختارگرایی اجتماعی همکاری بین اتحادیه اروپا و اتحادیه آفریقایی دیده شده در ارتباط با قدرت و چگونگی قدرت که در این رابطه پیچیده سیاسی می‌تواند دیده شود، بحث و تحلیل می‌شوند ([www.sepehr1369.blogfa.com/post](http://www.sepehr1369.blogfa.com/post)).

## نتیجه‌گیری

با توجه به فرضیه اصلی این مقاله که بر مبنای مکتب انگلیسی باز تعریف شده، آن چه مدنظر ما قرار می‌گیرد فرآیند تبدیل سازمان وحدت آفریقا به اتحادیه آفریقا - مشکلات آفریقا و نقش استعمار در پیچیده کردن شرایط مردم به خصوص مهاجرت و فرار مغزها است. این که سازمان ملل فرار مغزها را از آفریقا بزرگ‌ترین عامل عقب‌افتادگی محسوب می‌کند بی‌دلیل نیست. بر اساس آمار، شمار مهندسين و دانشمندان آفریقایی که در آمریکا کار می‌کنند بیش از متخصصانی است که در آقاره آفریقا مشغول به کار می‌باشند.

از طرفی، مهاجرت به‌عنوان پدیده‌ای عمیق و ریشه‌دار در تاریخ بشری در دوران معاصر ماهیتاً متحول شده است. از نظر کمی و آماری مهاجران رقم بی‌نظیری را تشکیل می‌دهند. از نظر کیفی مهاجرت در عصر جهانی شدن، فرصت‌ها و چالش‌های فراوانی را به همراه آورده و مدیریت مهاجرت را تبدیل به حوزه جدیدی از مناسبات اجتماعی کرده است. برای مدیریت مهاجرت، باید اصل پدیده مهاجرت را درک کرد. نظریه‌های کلان مهاجرت به‌خاطر تمرکز برانگیزه مهاجرت نمی‌توانند پیامدها و روندهای ناشی از مهاجرت را توضیح داده و تبیین کنند و لذا جای نظریه‌های کلان بایستی از نظریات میان برد استفاده کرد. مشکلات آفریقا دارای دو وجهه داخلی و خارجی است. استعمار بدون شک تأثیر بسیاری بر پیچیده کردن شرایط مردم قاره داشته است، گرچه نباید نقش عاملان داخلی استعمار را نیز نادیده گرفت. در مقاله‌ای در خصوص نقش غرب در ایجاد بحران در آفریقا آمده است: آفریقا در تمامی ابعاد آن دارای بحران می‌باشد. چه بسیار دولت‌های خارجی، نمایندگی‌ها، مؤسسات در زمینه مبارزه با فقر در آنجا تلاش می‌کنند، چه بسیار کمک خارجی، وام و اعتبار برای توسعه به آن خطه اختصاص داده شده است. از دهه شصت بیش از چهارصد میلیارد دلار به‌صورت وام و اعتبار به استثنای کمک‌های مربوط به مأموریت‌های صلح‌جویانه در اختیار آفریقا قرار گرفته است مع‌هذا، همه این تلاش‌ها بی‌نتیجه بوده است. قاره آفریقا از نظر اقتصادی هنوز نیز در حال سقوط است. در واقع برای انهدام اقتصاد آفریقا دیکتاتوری‌های آفریقایی به حمایت مستقیم و غیرمستقیم غرب وابسته بودند (بحران آفریقا، ۲۶۷). این که سازمان ملل فرار مغزها را از آفریقا بزرگ‌ترین عامل عقب‌افتادگی محسوب می‌کند بی‌دلیل نیست. بر اساس آمار، شمار مهندسين و دانشمندان آفریقایی که در آمریکا کار می‌کنند بیش از متخصصانی است که در آقاره آفریقا مشغول به کار می‌باشند.

گرچه فرآیند تبدیل سازمان وحدت آفریقا به اتحادیه آفریقا موجب مطرح شدن قاره سیاه در سطحی جهانی شده است، ولی بیم آن وجود دارد که این اقدام بیشتر جنبه‌نظری داشته باشد تا توسعه معنا و مفهوم یابد. حال برای آن که روزهای مشترک اتحادیه آفریقا به واقعیتی عینی بدل شود، شایسته است حکومت‌های آفریقایی تشویق به حضوری فعال و مؤثر در عرصه همکاری شوند و راه‌کارهای عملی و کاراتر را در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی برای جلوگیری از به حاشیه کشیده شدن در عصر جهانی شدن ببینند. این مهم نیازمند دیدگاه واحد و اراده مشترک کشورها و تعهد آنان به اجرای منشور اتحادیه، تعیین هدف پایه در همکاری قاره‌ای، ارتقای توانمندی اتحادیه و دولت‌های عضو به ویژه در عرصه اقتصادی، دموکراتیک شدن پایه‌های قدرت حکومت‌های آفریقایی بر اساس انتخابات آزاد، نضج جامعه مدنی در کشورهای آفریقایی در راستای ضرورت ارتقای ارتباط و پیوند متقابل مردم و حاکمان، مسؤولیت‌پذیری کشورهای عضو، اصلاح روابط بین کشورهای قاره سیاه بر اساس سیاست حسن همجواری، همیاری، مساعدت و کمک فزاینده قدرت‌های صنعتی به کشورهای کم‌تر توسعه یافته آفریقایی به‌منظور خروج از بدهی‌های خارجی از رهگذر بخشودگی بدهی‌ها، تغییر ساختار روابط با شرکای تجاری توسعه یافته، افزایش امکان دسترسی به بازارهای جهانی و به‌طور کلی کاهش آسیب‌پذیری‌های اقتصادی است.

## پیشنهادات

۱. بررسی و تغییر در قوانین محدود کننده مهاجرت پناهندگان آفریقایی به اروپا با هدف کمک به پناهجویانی که به دلایلی هم چون فرار از شکنجه یا خشونت، متقاضی ورود به این قاره هستند.
۲. تدوین سیاست‌گذاری‌های راهبردی نهادهای فعال سازمان‌های حقوق بشری و کمی ساریای عالی سازمان ملل در جهت احقاق حقوق بشر پناهندگان آفریقایی خواستار پناهندگی در اروپا.
۳. اتخاذ سیاست‌های کاربردی اتحادیه آفریقا در خصوص مدیریت پناهندگان آفریقایی.
۴. جلوگیری از چند مرحله‌ای کردن آزمون مهاجرین جهت حمایت و تسهیل ورود پناهندگان آفریقایی به اروپا.
۵. ایجاد اتاق فکر میان سازمان‌های حقوق بشری از یک سو و اتحادیه‌های اروپا و آفریقا از سوی دیگر با هدف جلوگیری از فرار مغزها از آفریقا به اروپا.
۶. ایجاد ساز و کار مناسب در جهت بهبود شرایط اقتصادی نخبگان تا بتوانند توانایی و استعداد خود را با هدف ارتقاء شرایط اقتصادی کشورهای آفریقایی بروز دهند.
۷. ارتقاء شاخص‌های توسعه ای و ایجاد راه کارهای مناسب دولت‌ها در دفاع از حقوق شهروندی.
۸. واگذاری مسؤولیت‌های کلیدی جهت مدیریت نخبگان دلسوز آفریقایی با هدف کسب استقلال و عدم وابستگی کشورشان به دولت استعمارگر.
۹. رفع مشکلات سیاسی، امنیت شغلی، تساوی حقوق، عدالت اجتماعی و قضایی و نیز شیوه‌های بهتر زندگی باعث عدم مهاجرت نخبگان آفریقایی به دیگر کشورها خواهد شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. ابوالحسن شیرازی، حبیب اله (۱۳۹۲) آینده گسترش اتحادیه اروپا و چالش‌های آن، مقاله‌نامه روابط بین‌الملل، سال ششم، شماره ۳۳.
۲. اردلان، اسعد (۱۳۸۷) پناهندگی دیپلماتیک، علوم سیاسی، سیاست خارجی، شماره ۸۷: ۹۸۰ - ۹۵۱.
۳. استاتهام، پل و امیلی خاکستری (۲۰۰۵). سیاست مهاجرت و سیاست پناهندگی در غرب اروپا، اروپایی سیاسی ارتباطات کار و سری.
۴. اسمیت، فلیپ (۱۳۸۳) درآمدی بر نظریه فرهنگی، مترجم: پویان، حسن، تهران: فرهنگی.
۵. امیره فرناندز و جوانان، ریچارد (۲۰۰۵). ارزیابی دهه نخست مشارکت اروپا با حوزه مدیترانه، قابل دسترسی در: [www.realinstitutoelcano.org](http://www.realinstitutoelcano.org).
۶. ایوبی، حجت‌الله و نوربخش، سیدناذر (۱۳۹۲) گسترش جریان راست افراطی در اروپا، مقاله‌نامه روابط بین‌الملل، سال ششم، شماره ۳۳.
۷. بالفور، الساندرو (۲۰۰۵). سیاست‌های فراتوسعه‌ای حوزه اروپا و ابزار آن، ناظر بین‌المللی، شماره ۱.
۸. برتران، پیر (۱۳۷۵)، سیمای متغیر پناهندگی (مصاحبه با پیر برتران مدیر دفتر کمی سیار عالی عالی پناهندگان سازمان ملل متحد در ایران). «، شماره ۱۱، ۵۱ - ۵۸.
۹. بیانیه مشترک اتحادیه اروپا و اتحادیه آفریقا در خصوص مهاجرت و توسعه (اعلامیه طرابلس).: ۲۰۰۶.
۱۰. پایگاه اینترنتی اتحادیه افغان‌های مقیم یونان (۱۲ دسامبر ۲۰۱۳). پناهندگی بر اساس حقوق بین‌الملل.
۱۱. (۲۰۱۰). توافق‌نامه مهاجرت فراتر از قانون، قابل دسترسی در: [www.cadmus.eu.eu](http://www.cadmus.eu.eu)
۱۲. توماس (۲۰۰۷). هزینه‌های انسانی کنترل مرزها، مجله اروپایی مهاجرت و قانون: ۱۲۷ - ۱۳۹.
۱۳. جف (دسامبر ۲۰۰۰). اتحادیه اروپا و امنیت مهاجرت، مجله مشترک مطالعات بازار، جلد ۳۸، شماره ۵.
۱۴. حسن‌زاده، جهانبخش (تابستان ۱۳۷۶). «معرفی سازمان‌های منطقه‌ای آفریقا: سازمان وحدت آفریقا»، علوم سیاسی، مطالعات آفریقا، شماره ۵: ۱۴۱ - ۱۵۰.
۱۵. دهشیری، محمدرضا (پاییز و زمستان ۱۳۸۰) «جایگاه و نقش اتحادیه آفریقا در نظام کنونی بین‌الملل»، مجله مطالعات آفریقا، شماره ۴.
۱۶. ژان پیر (۲۰۱۰) سیاست‌های مهاجری اتحادیه اروپا، دانشگاه‌های اروپایی و مؤسسه مهاجرت مرکز سیاست موجود در: [www.EU.Cooperation.Challenges.External.Migration.Policy](http://www.EU.Cooperation.Challenges.External.Migration.Policy)
۱۷. سجادپور، سیدمحمد کاظم (۱۳۸۴) چارچوب‌های مفهومی و عملیاتی در مدیریت مهاجرت بین‌المللی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۸.
۱۸. سلطان حمدی، کاظم (۱۳۸۶). اتحادیه آفریقا - واقعیت‌ها و چالش‌ها، فصلنامه مطالعات آفریقا، شماره ۱۵: ۲۸۵ - ۳۰۰.
۱۹. طالشی صالحانی، حسین (۱۳۸۰) سازمان وحدت آفریقا تا اتحادیه آفریقا، مجله مطالعات آفریقا، شماره ۴.

۲۰. عجم، محمد (۱۳۸۹) بحران‌های آفریقایی، حق تعیین سرنوشت و عملکرد دوگانه دولت‌های غربی، **مجله مطالعات آفریقا**، چاپ وزارت امور خارجه، شماره ۲۲.
۲۱. مختاری، محمد مهدی (۱۳۸۸) **مهاجران مسلمان و چالش‌های آینده اروپای متحد**، تهران: انتشارات اطلاعات
۲۲. مسی و همکاران (۱۹۹۳). **تئوری‌های مهاجرت بین‌المللی: نقد و بررسی و ارزیابی، فصلنامه جمعیت و بررسی توسعه**، جلد. ۱۹، شماره ۳.
۲۳. موحدی قمی، محسن (۱۳۸۴) اجلاس سران اتحادیه آفریقا در سودان - اهداف، برنامه‌ها، دستاوردها و پیشینه اتحادیه»، **فصلنامه مطالعات آفریقا**، شماره ۱۲.
۲۴. نای، جوزف (۱۳۹۰) **آینده قدرت**، ترجمه: دکتر مراد رضا صحرایی، انتشارات حروفیه، تهران.
۲۵. والت، استفان (۱۹۹۸). روابط بین‌الملل: یک جهان با انبوهی از تئوری‌ها، **مجله سیاست خارجی**. مرزهای دانش: ۲۹-۳۲ + ۳۴-۴۶.

#### ب) منابع لاتین

1. Balfour, Rosa and Rotta, Alessandro (2005) **Beyond Enlargement: The European Neighborhood Policy and its Tools**, the International Spectator, No.1.
2. Carrera, Sergio et al (2012) **EU Migration Policy in the wake of the Arab Spring What prospects for EU-Southern Mediterranean Relations?**, Technical Report, No. 15 .
3. Cassarino, Jean-Pierre (2010) **Readmission Policy in the European Union**, European University and Institute Migration Policy Center.
4. CastanPinos, Jaume (2008) **Building Fortress Europe?** Schengen and the Cases of Ceuta and Melilla.
5. DS Massey et al (1993) **Theories of International Migration: A Review and Appraisal**, Population and Development Review, Vol .19, No 3.
6. www.Eui.eu/EU Cooperation Challenges External Migration Policy. Pdf.